

واکاوی مبانی قرآنی همزیستی مسالمت آمیز امت اسلامی با امت‌های غیرمسلمان و غیرمستکبر

محمد مهدی کریمی نیا^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲، محمد رضا باقری مفرد^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

^۳ کارشناسی ارشد علوم حدیث، گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث قم

چکیده

بر اساس آیات قرآن کریم، روایات اسلامی و سیره معصومین(ع)، مسلمانان وظیفه دارند در مقابل دولت‌های استکباری و محارب ایستادگی کرده و به مقابله همه جانبه بپردازند. اما کم نیستند کشورها و ملت‌های غیرمسلمان، که با امت اسلامی حالت جنگ و ستیزه نداشته و خواهان روابط مسالمت آمیز با مسلمانان هستند و حاضرند همکاری‌های دوجانبه در امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشند. این پرسش مطرح است که طبق تعالیم قرآن کریم، اساس رفتار با کشورهای غیراستکباری و مردم غیرمسلمان چگونه است؟ آیا اصل، جنگ و نزاع و درگیری و حذف آنان است، مگر این که ایمان بیاورند؛ یا از نظر قرآن کریم، مسلمانان می‌توانند با پیروان ادیان آسمانی، دولت‌های غیرمحارب و مردم غیرمسلمان، تعامل مسالمت آمیز داشته باشند. از نظر قرآن کریم، زبان گفتمان بین ادیان آسمانی، تعامل و همزیستی مسالمت آمیز، گفتگوی سازنده و همکاری بر اساس اصول مشترک است. در حالی که برخی، همانند داعش از دیدگاه اول دفاع می‌کنند. در این پژوهش، اصالت صلح و گفتگوی سازنده و همزیستی مسالمت آمیز اسلام با پیروان ادیان آسمانی، کشورهای غیراستکباری و مردم غیرمسلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. قرآن کریم، صلح و همزیستی امت اسلامی با کشورهای غیرمسلمان و ادیان و ملل دیگر، به عنوان یک اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریحی خویش ملاحظه نموده است. ضرورت این پژوهش از آن جهت بیشتر نمایان می‌شود که امروزه عده‌ای مسلمان نما که به عنوان: «داعش و طالبان» مشهور شده اند این ایده را سرلوح خود قرار داده و به پیروان خود تزریق می‌کنند که اساس تعامل با غیرمسلمانان، جنگ و قتال است، مگر این که ایمان آورده و مسلمان شوند! آیاتی از قرآن کریم، نژاد پرستی، تحمیل عقیده، تعصب‌های نادرست را رد می‌نماید و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک و گفت و گوی مسالمت آمیز استقبال می‌کند، و ضمن به رسمیت شناختن پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذارد. برخی راه کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی مسالمت آمیز با غیرمسلمانان از قرار زیر است: نفی نژاد پرستی؛ مبارزه با توهّمات برتری جویانه ادیان دیگر؛ آزادی عقیده و فکر؛ اعتراف به حقوق اقلیت‌ها؛ تعاون در مسایل بین المللی؛ استقبال از پیشنهاد صلح؛ تأکید بر صلح بین المللی؛ دعوت به همزیستی مسالمت آمیز و توجه به اصول مشترک؛ و گفت و گوی مسالمت آمیز.

واژه‌های کلیدی: همزیستی مسالمت آمیز، صلح، جنگ و قتال، گفت و گو، همکاری بین المللی

مقدمه

دین اسلام، فقط در اعمال عبادی و مراسم شخصی منحصر نمی شود؛ بلکه این دین، مجموعه ای از مسایل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ دینی در برگیرنده تمام اموری است که انسان در معاش و معاد، دنیا و آخرت، زندگی فردی و اجتماعی بدان نیاز دارد. به عبارت دیگر، این دین به رابطه انسان با خالق، حاکم، جامعه، خانواده، ملت خود و سایر ملت ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان توجه کرده است. اسلام، اگرچه در «جزیره العرب» ظهور یافت، به این مکان یا به مردم عرب منحصر نمی شود. این دین از سوی خدا و به وسیله پیامبر اکرم (ص) برای جمیع افراد بشر تا روز قیامت آورده شده است. او واپسین پیامبر، و اسلام واپسین دین و رسالتش جهانی است. قرآن می فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سبأ، ۳۴، آیه ۲۸)؛

و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم، نفرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی دانند».

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ، (سوره اعراف، آیه ۱۵۸)؛

بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست؛ که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد- بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید».

یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل، صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان مختلف است و نقشی که ادیان مهم، مخصوصاً دین اسلام می تواند ایفا کند. بیش از پنجاه کشور مسلمان وجود دارد که با یکدیگر، و نیز با کشورهای غیر مسلمان دارای روابط گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند. اثبات «اصالت اندیشه همزیستی مسالمت آمیز در اسلام» ضرورت دارد و در عمل، زمینه همکاری و تعاون کشورهای مسلمان با دیگر کشورها را براساس اصول مشترک و روابط صلح آمیز فراهم می سازد.

اثبات صلاحیت نظام جمهوری اسلامی برای اداره جامعه در بعد داخلی و بعد بین المللی، مستلزم مباحث اساسی و زیر بنایی است، و این که آیا اساس روابط با کشورهای غیر مسلمان بر جنگ، یا بر صلح و همزیستی استوار است؟ اگر مبنا و ملاک، داشتن روابط مسالمت آمیز است، از نظر منابع اصیل اسلامی، چه ادله و شواهدی می توان برای آن ارائه داد؟

به عبارت دیگر، یکی از ضرورت های این پژوهش، وجود «انتساب خشونت به اسلام و پیامبر اسلام!» است. عده ای ناآگاه یا مغرض، روابط اسلام با غیر مسلمانان را براساس جنگ و خصومت می دانند. اشتباه آنان از این جا ناشی می شود که اسلام اهمیت فوق العاده ای به جهاد داده است. از این رو، افرادی در گذشته، مانند «منتسکیو» متفکر فرانسوی، و اخیراً پاپ بندیک شانزدهم رهبر مسیحیان دنیا، اسلام را دین شمشیر بدانند. امروزه و بنحو گسترده ای شاهد این گونه اتهامات و دروغ ها علیه اسلام هستیم.

ضرورت این پژوهش از آن جهت بیشتر نمایان می شود که امروزه عده ای مسلمان نما که به عنوان: «داعش و طالبان» مشهور شده اند این ایده را سرلوح خود قرار داده و به پیروان خود تزریق می کنند که اساس تعامل با غیرمسلمانان، جنگ و قتال است، مگر این که ایمان آورده و مسلمان شوند!

طبق منابع اصیل اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر، به عنوان یک اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریحی خویش ملاحظه نموده است. آیاتی از قرآن کریم، نژاد پرستی، تحمیل عقیده، تعصب های نادرست را رد می نماید و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک و گفت و گوی مسالمت آمیز استقبال می کند، و ضمن به رسمیت شناختن پیامبران و کتاب های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت ها احترام می گذارد.

برای اثبات اصالت صلح و همزیستی مسالمت آمیز، می توان به ادله و شواهد گوناگون استناد نمود؛ مانند: آیات قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و نیز سخنان آن بزرگواران؛ ولی محدوده کلام در این پژوهش، تنها بیان دیدگاه قرآن کریم در لزوم همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان، مخصوصاً پیروان ادیان آسمانی می باشد.

برخی راه کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان از قرار زیر است: ۱. قرآن کریم، و نفی نژاد پرستی؛ ۲. قرآن کریم و مبارزه با توهّمات برتری جویانه ادیان دیگر؛ ۳. قرآن کریم، و آزادی عقیده و فکر؛ ۴. قرآن کریم، و اعتراف به حقوق اقلیت ها؛ ۵. قرآن کریم، و تعاون در مسایل بین المللی؛ ۶. قرآن کریم، و استقبال از پیشنهاد صلح؛ ۷. قرآن کریم، و صلح بین المللی؛ ۸. قرآن کریم، و دعوت به همزیستی مسالمت آمیز و توجه به اصول مشترک؛ ۹. قرآن کریم، و گفت و گوی مسالمت آمیز.

۱. کلیات

۱-۱. تبیین موضوع تحقیق:

«همزیستی مسالمت آمیز» در لغت به معنای با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یک دیگر، در حالی که شاید مناسب یک دیگر نباشند، (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۲/۲۰۸۱۲). این واژه در اصطلاح حقوق بین الملل به معنای نحوه مناسبات بین ممالکی که دولت های آنها دارای نظام های اجتماعی و سیاسی مختلف هستند؛ یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشور ها، احترام به حق کلیه خلق ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسایل بین المللی از طریق مذاکره، (آقا بخشی، ۱۳۶۶، ۲۴۶).

معنای اصطلاح همزیستی مسالمت آمیز، به معنای لغوی این واژه نزدیک، و در واقع، معنای اصطلاحی، از معنای لغوی آن اخذ شده است. به هر حال، آنچه مورد نظر فرهنگ نویسان و دانشمندان حقوق بین الملل است، این است که در سایه این اصل مهم بین الملل، مردم کشورها با وجود مذاهب و عقاید گوناگون، در آرامش و صلح و تعاون به یکدیگر به سر ببرند. اختلافات از این جا ناشی می شود که اسلام، اهمیت فوق العاده ای به جهاد داده است. همین برداشت باعث شده تا پاره ای از نویسندگان از قبیل «منتسکیو»، متفکر فرانسوی، اسلام را دین شمشیر بدانند. وی

در کتاب «روح القوانین» می گوید: «یکی از بد بختی های بشر، این است که هر فاتحی دیانت خود را بر جامعه مغلوب تحمیل می کند. دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده، چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده، باعث سختی و شدت شده است»، (منتسکیو، ۱۳۹۳، ۶۷۱).

منتسکیو در این دروغ پردازی ها تنها نیست؛ بلکه این روش اکثر خاور شناسان و اسلام شناسان غربی است. از گذشته تاکنون، پیوسته اسلام به عنوان دین خشونت و دین شمشیر معرفی شده است. در این میان، در ۲۱ شهریور ۱۳۸۵، پاپ بندیک شانزدهم، رهبر مسیحیان دنیا، در اقدامی نا باورانه و متعصبانه، وارد گود اتهام زنی علیه اسلام شده و به عنوان یک رهبر دینی مسیحی، دشمنی خود را نسبت به شخص پیامبر اکرم (ص) آشکار ساخت تا مگر از این طریق جلوی پیشرفت اسلام در کشورهای اروپایی و غربی را بگیرد؛ چه این که، دین اسلام در کشورهای غیر مسلمان، رقیب جدی ادیان دیگر، مخصوصاً مسیحیت است. دلیل این امر، فروش میلیونی قرآن کریم در کشورهای غربی است، و عده زیادی در این سرزمین ها، خواهان آشنایی با اسلام و تعالیم قرآن کریم می باشند و تعالیم نورانی اسلام و پیشوایان دینی، پیوسته قلوب انسان ها را فتح می کند و بار دیگر نوید بخش این شعار قرآنی است که:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر، ۱۱۰، آیه ۱-۳)؛

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است».

روشن است که این تبلیغات دروغین، به منظور برانگیختن غیر مسلمانان ضد مسلمانان صورت گرفته و می گیرد و این در حالی است که اسلام با پیروان ادیان دیگر نهایت خوش رفتاری و سازش را به کار برده است. «گوستاولوبون» می گوید: «اگر ملل مسیحی، این فاتحین خود یعنی اعراب را قبول کرده، حتی زبان آنها را هم اختیار نمودند، سبب اصلی آن این بود که آنها را در مقابل حکامی که تا آن وقت زیر شکنجه آن ها بودند، حکام جدید را عادل تر و منصف تر مشاهده نمودند». (گوستاولوبون، ۱۳۸۷، ۴/۱۴۸) وی همچنین می گوید: «تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذاهب یهود و نصارا..... را خیلی بندرت می توان در مذاهب دیگر مشاهده نمود». (همان). با توجه به این که گفتمان انقلاب اسلامی در تعامل با پیروان ادیان آسمانی، تعامل مسالمت آمیز، گفتگو و همکاری بر اساس اصول مشترک است، در این پژوهش، دیدگاه قرآن کریم در همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان آسمانی تبیین می گردد.

۱-۲. هدف پژوهش:

دستیابی به دیدگاه قرآن کریم، در بحث نحوه و شیوه تعامل با دولت های غیرمحراب، دولت های غیرمستکبر و مردم غیرمسلمان، بویژه پیروان ادیان آسمانی؛ و این که اساس در رفتار با کشورهای غیراستکباری و پیروان مذاهب و ادیان دیگر، رفتار صلح آمیز و استفاده از روش منطقی است و رد گفته کسانی که می گویند: «مادامی که اسلام باقی است، صلح و سازش پیروان اسلام، حتی با کلیمی ها و مسیحی ها و از این بالاتر با سایر افراد بشر، یک مسأله لاینحلی خواهد بود». (گفته لوریمر، قاضی و حقوقدان اروپایی قرن نوزدهم، به نقل از: عمید زنجانی، ۱۳۴۴، ۱۳). و نیز رد

رفتار و گفتار مسلمان نماهایی همچون: داعش و طالبان و گروه های تکفیری که اساس تعامل با غیرمسلمانان را جنگ و قتال می دانند و این عده معتقدند که غیر مسلمانان یا باید مسلمان شوند و یا آماده جنگ و کشته شدن!

۱-۳. سؤال پژوهش:

قرآن کریم در راستای تعالیم جهانی خود، در مقابل مخاطبانی همچون: کشورهای غیرمسلمان، مردم غیرمسلمان، بویژه پیروان ادیان آسمانی از چه رویکردی سود می جوید؟ و آیا در اسلام، تعامل مسالمت آمیز و روابط صلح آمیز با غیرمسلمانان و پیروان ادیان آسمانی مورد پذیرش است یا خیر؟

۱-۴. کاربرد بودن موضوع:

مهم این است که موضوعی جهت بحث و پژوهش انتخاب شود که افزون بر طرح و بررسی مباحث نظری، در عالم خارج دارای کاربرد و تأثیر باشد و پاسخی بر نیازهای روز حداقل یکی از دستگاه های اجرایی کشور باشد. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، با کشورهای دنیا مواجه هستیم و اسلام در جایگاه دین جهانی، ما را به حضور در صحنه سیاست جهانی می خواند و انزوگرایی و رهبانیت را نمی پسندد و از ما نمی پذیرد. با منطق و عقل نیز سازگار نیست که درها را به روی خود، و درهای خود را به روی دنیا ببندیم و خود را در حصار خود ساخته زندانی کنیم و به این ترتیب به آرزوی دشمنان سوگند خورده اسلام، که انزوای ما را می طلبد و در این جهت برنامه های بسیار، تدارک می بینند، جامه عمل بپوشانیم. بنابراین، باید پویاترین و کار آمد ترین روابط را در صحنه حقوق بین الملل، با کشورهای مختلف دنیا برقرار سازیم؛ روابطی که افزون بر حفظ حضور ما در صحنه سیاست جهانی، استقلال، عزت و منافع ملی ما را تضمین می کند. چنین روابطی با چنان دستاوردهایی، جز بر پایه آموزه های انسان ساز اسلام و معیارهای عزت آفرین آن، میسر نخواهد شد.

لازمه تلاش موفق، برای تحقق چنین روابطی آشنایی با ملاک ها و آگاهی از اصولی است که آیین مقدس اسلام، جهت پی ریزی چنان روابطی ارائه می کند. بدین لحاظ به بحث گرفتن آن اصول و روابط و شکوفا ساختن ابعاد کاربردی آن ها، رسالتی است که بر دوش انسان های آشنا با مبانی فقهی و حقوقی، سنگینی می کند.

نظر به این که ساختار روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها، با وجهه و آبروی اسلام در جهان ارتباط می یابد و داوری دیگران را در باره اسلام، شکل می دهد، کاربردی کردن زیر بناهای فکر اسلام، درباره سیاست خارجی و حقوق بین الملل، حساسیت بیش تری می یابد.

۱-۵. محدوده پژوهش:

برای شناخت دیدگاه اسلام در این زمینه، باید به منابع اصیل و دست اول مراجعه کرد. مهم ترین منابع اسلامی، قرآن کریم، روایات معصومان (ع) و سیره و رفتار آنان است. عده ای که تاریخ تمدن اسلامی و شریعت اسلام را بررسی کرده اند، از مراجع اصلی و منابع اصیل اسلام غفلت ورزیده، و به منابع دست دوم و کم اهمیت روی آورده اند. برخی گمان می کنند که در اسلام، «حقوق و روابط بین الملل»، اغلب براساس «جنگ و ستیز» بنیان گذاشته شده است و احياناً برای ادعای خود، به اعمال بعضی از حاکمان و زمامداران در طول تاریخ اسلامی استناد می کنند؛ در حالی که نصوص اصیل اسلامی، که باید بر آن اتکا داشت، عکس این مطلب را ثابت می کند و آن این که اسلام، صلح و

همزیستی با ادیان و ملل را به صورت «اصل» و «قاعده اساسی» در نظام تشریحی خود ملاحظه کرده است، و احکام جنگ فقط در حال ضرورت است که در این حالت، جنگ، «مشروع» خواهد بود. بنابراین، رفتار و عملکرد ناصواب بعضی از زمامداران مسلمان در طول تاریخ اسلامی نمی تواند این نصوص صریح را باطل سازد. (ثقفی، ۱۳۷۶، ۲۵۳).

صلح در صمیم اسلام نهفته است. کلمه «اسلام» از ماده «سَلِمَ»، و کلمات «سَلَّمَ»، «سلام» و «سلامت» نیز از همان مشتق است و از نظر مفهوم، یعنی طلب سلامت برای جهان، و نیز مسالمت در رفتار با مردم است که به تبع آن، نوعی رضایت نفس، طمأنینه و آرامش حاصل می شود.

«سلام» و «سلامت» در برگیرنده نجات بنده از «شر» و رسیدن به «خیر» است. این واژه، در بیش از صد آیه قرآن کریم آمده است. «سَلِمَ»، «سلامت» و «مسالمت» در صمیم اسلام نهفته، و «جنگ» فقط در حالات استثنایی واجب شده است. بنابراین، اسلام صلح و همزیستی را در بر دارد و آموزه های اسلام بدان تشویق و ترغیب می کند.

اسلام به حقوق ادیان آسمانی اعتراف دارد و آنان را به رسمیت می شناسد. البته این نوع اعتراف، هرگز با تحقیق و جست و جو از آیین حق و تطبیق مفاهیم و آموزه های ادیان و پیروی از بهترین آن منافاتی ندارد. به عبارت دیگر، قلمرو تحقیق و بررسی از آیین، غیر از حوزه حقوقی و قوانین مدنی است که اولی مورد دقت، فحص و بررسی، و دومی محل مسامحه، اهمال و سهل گیری است. پیامبر اسلام (ص) در برخورد با پیروان ادیان، جانب قانون و رفتار نیکو را پیش می گرفت و در عین حال، اعلام می کرد که رستگاری، در گرو اعتقاد به اسلام و عمل صالح است.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران، ۳، آیه ۱۹)؛

در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»

«وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، ۳، آیه ۸۵)؛

و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.»

باوجود این، دین اسلام جدا و بدون ارتباط با ادیان گذشته نیست. رسالت اسلام مشتمل بر مبادی و اصول ادیان پیشین، و نیز چیزی است که بشر کنونی تا روز قیامت بدان نیاز دارد. از اصول اساسی اسلام، تصدیق ادیان الهی و تمامی پیامبران پیشین است، (شلبی، ۱۹۸۹م، ۳/۱۱۶).

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى... (شوری، ۴۲؛ آیه ۱۳)؛ از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم...»

برای اثبات همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و لزوم روابط صلح آمیز با غیر مسلمانان، می توان به ادله و شواهد گوناگون استناد جست؛ مانند: آیات قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و نیز سخنان آن بزرگواران؛ ولی محدوده این پژوهش، تنها بیان دیدگاه قرآن کریم درباره لزوم همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان بویژه پیروان ادیان آسمانی است، و بیان سیره و کلام معصومین (ع)، خود نیازمند نوشتار جداگانه ای است.

«همزیستی مسالمت آمیز» یا «همزیستی مذهبی» فکر اصیل اسلامی است که آیات متعددی از قرآن کریم به صورت های گوناگون با تأکید و صراحت کامل بدان سفارش کرده، و این در حالی است که چهارده قرن قبل، مفهوم «همزیستی مذهبی» برای بشر به طور کامل شناخته شده نبود و قرآن کریم با تأکید فراوان، مسلمانان را به آن دعوت کرد. از نظر قرآن کریم، جنگ مذهبی و ستیز به سبب اختلاف عقیده، به صورتی که پاره ای از مذاهب دیگر نشان می دهد؛ مانند جنگ های صلیبی مسیحیت معنا ندارد. کینه توزی و دشمنی با پیروان ادیان دیگر، ممنوع است. پیش گرفتن روش های اهانت آمیز با دیگران، روش پسندیده دینی به شمار نمی رود. (کریمی نیا، ۱۳۸۳، ۲۶۱). قرآن کریم، گروهی از مسیحیان و یهودیان را یاد می کند که راه تمسخر و تکفیر یک دیگر را پیش گرفته اند و با تحقیر، اهانت و پایمال کردن حقوق انسانی یک دیگر، همواره آتش جنگ و اختلاف را شعله ور می سازد:

«وَقَالَتُ الْيَهُودُ لَيْسَتْ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَ قَالَتُ النَّصَارَى لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (بقره، ۲، آیه ۱۱۳)؛

و یهودیان گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان گفتند: «یهودیان بر حق نیستند» با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته هایشان گفتند. پس خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنانداوری خواهد کرد».

۲. راه کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان:

قرآن کریم، برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز بویژه با پیروان ادیان آسمانی، راه های گوناگونی را پیش بینی کرده است که به مهم ترین آن اشاره می شود:

۱-۲. قرآن کریم، و نفی نژادپرستی:

قرآن کریم، هرگونه تصور نژاد پرستانه را محکوم کرده، همه انسان ها را فرزند یک پدر و مادر می شمرد و به طور قهری، فاقد برتری نژادی، قومی و مذهبی می داند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۴۹، آیه ۱۳)؛

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است».

تساوی و برابری انسان ها یکی از اصول مهم همزیستی مسالمت آمیز است؛ چون نژاد پرستی، خود برتر بینی، تحقیر ملت ها و مذاهب دیگر، سبب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است. جنگ جهانی اول و دوم، نمونه بارز بر این مدعا است.

تفاوت در رنگ، نژاد و ملیت مایه فضیلت یکی بردیگری نیست؛ بلکه از نظر قرآن، اختلاف زبان و رنگ ها از آیات و نشانه های الهی به شمار می رود و وسیله ای برای شناخت افراد و اشخاص از دیگر است؛ چه این که اگر همه انسان ها یک شکل، یک رنگ و دارای قواره یکسان باشند، زندگی دچار مشکل و هرج و مرج خواهد شد.

بی شک، زندگی اجتماعی بشر بدون «شناخت افراد و اشخاص» ممکن نیست که اگر یک روز همه انسان‌ها یک شکل، یک قیافه، و دارای یک قد و قواره باشند، در همان یک روزه، شیرازه زندگی به هم می‌ریزد؛ نه پدر و نه فرزند و نه همسر از بیگانه شناخته می‌شوند، و نه مجرم از بی گناه، بدهکار از طلبکار، فرمانده از فرمان بر، رئیس از مرؤوس، میزبان از مهمان و دوست از دشمن شناخته می‌شود، و چه جنجال عجیبی برپا خواهد شد! بدین سبب برای سازمان یافتن اجتماع بشر، خداوند، زبان و رنگ‌ها، نژادها، قوم‌ها را گوناگون قرار داده است.

قرآن کریم، انسان را موجود با کرامت معرفی می‌کند که در سایه انسانیت می‌تواند شایسته این کرامت الهی باشد و این کرامت همان جانشینی خداوند در زمین است. همه نژادها، رنگ‌ها و زبان‌ها، استعداد و شایستگی حصول به این مقام بزرگ را داریند، و این موهبت الهی و نعمت بزرگ، به صورت یکسان برای همه انبای بشر در نظر گرفته شده است و انسان به دلیل بهره فراوان از عقل، شعور، ادراک، استعداد ویژه می‌تواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را به عهده بگیرد و موقعیت معنوی او شایسته این همه مواهب است.

و زمانی که خداوند به ملائکه فرمود: همانا من در روی زمین خلیفه [= جانشین] قرار دادم. و برآستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. (۲)

از نظر قرآن کریم، نه تنها انسان‌ها، فضیلتی بر یک دیگر (جز به تقوا و پرهیزگاری) ندارند، بلکه مجموعه انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحد» را تشکیل می‌دهند:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره، ۲، آیه ۲۱۳)؛

مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند آوری کند».

بسیاری از آیات قرآن کریم، خطاب به تمام بشر است؛ مانند: «یا بنی آدم» (۳)، «یا ایها الانسان» (۴). این خطاب‌ها و تعبیرها می‌رساند که انسانیت، معنای مشترک بین تمام ساکنان زمین است. افراد مناطق گوناگون هیچ فرقی با یک

۱. اِسْرَاءُ (۱۷)، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ برآستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».

آیه دیگر در تکریم انسان: بقره (۲)، آیه ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد، و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم؛ و به تقدیس می‌پردازیم». فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

دیگر ندارند. بشر در طول تاریخ از حیث زبان، رنگ، نژاد و... متفاوت بوده است، ولی از نظر اسلام، همه، فرزندان یک پدر و مادر (حضرت آدم (ع) و حواء (ع)) هستند و این تفاوت‌ها، در انسانیت انسان خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. ابوشبانه، ۱۹۹۸م، ص ۵۴۲-۵۴۳).

۲-۲. قرآن کریم، و مبارزه با توهّمات برتری جویانه ادیان دیگر:

برخی از آیات قرآن کریم در مورد مبارزه با عقاید تند و تعصب آمیز ادیان دیگر است؛ عقاید ناصوبی که منشأ بسیاری از کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها با پیروان مذاهب دیگر شده است. کتاب آسمانی ما پس از آن که روش پیروان خود را با مخالفان مذهبی (همان همزیستی مذهبی و مدارا با پیروان مذاهب دیگر) مشخص می‌کند، پایه اوهام و افکار غلط ادیان دیگر را نیز درهم می‌کوبد.

یهودی‌ها و مسیحی‌ها معتقد بودند: «ملت برگزیده خداوند» هستند! فقط آنها هستند که با مقام الهی روابط غیر قابل زوال برقرار کرده‌اند. بهشت خداوند مخصوص آنها است و پیروان هیچ آیین دیگری لیاقت بهره‌مندی از آن را ندارند! این فقط یهود و نصارا هستند که به هر عنوان، برتر و بالاتر از همه و شایسته هر نوع تکریم و احترامند و همه باید در برابر دو ملت برگزیده، سر تعظیم و احترام فرود آورند. (کریمی نیا، ۱۳۸۳ش، ۲۷۱).

«وَقَالَتُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (مائده، ۵، آیه ۱۸)؛

و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است. هر که را بخواهد می‌آمزد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی اوست.»

«وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أُمَانِيَهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۲﴾ بَلَىٰ مَن أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)؛

و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» این آرزوهای ایشان است. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد.»

بدین ترتیب، قرآن کریم با افکار غرور آمیز و تعصب‌های نادرست، خطرناک و جنگ آفرین این دو ملت مبارزه می‌کند و پوچ و بی‌منطق بودن آن را با منطق و استدلال آشکار می‌سازد.

۲. تعبیر «بنی آدم» در چند آیه آمده است، از جمله: اعراف (۷) آیه ۳۵، ۲۷، ۲۶ و ۱۷۱؛ اسراء (۱۷)، ۷۰.

۳. تعبیر «یا ایها الانسان» مانند: انفطار (۸۲)، آیه ۶؛ انشقاق (۸۴)، آیه ۶؛ حدود ۶۰ آیه دارای تعبیر «الانسان» است.

بدیهی است چنان که این افکار غلط و خطرناک بر ملت و جامعه ای حکم فرما باشد، صلح جهانی و همزیستی مذهبی آنان با دیگران وجود نخواهد داشت. از بین بردن تعصب های نادرست، برتری جوی و نژاد پرستی، زمینه ساز همزیستی مسالمت آمیز ادیان ملل و مذاهب گوناگون است.

از نظر قرآن مجید، هیچ ملت برگزیده ای وجود ندارد و هیچ کس با خدا عقد اخوت نبسته است. برتری و عظمت مخصوص افراد و ملت هایی است که فقط در برابر حقیقت خضوع می کنند و هیچ تعصب غلطی آن ها را از پذیرش آن باز نمی دارد.

۲-۳. قرآن کریم، و آزادی عقیده و فکر:

در قسمتی از آیات قرآن کریم، این اصل تعقیب شده که طبیعت اعتقادات قلبی و مسایل وجدانی به گونه ای است که اکراه و اجبار بر نمی دارد. اگر فردی به حکم اجبار و فشار، معتقدات و دستورهایی یک مذهب را به ظاهر بپذیرد، هرگز دلیل آن نیست که در قلب و وجدان خویش نیز آن پذیرفته است:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ... (بقره، ۲، آیه ۲۵۶)؛

در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوتکفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است...».

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (بونس، ۱۰، آیه ۹۹)؛

و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند؟».

پیامبر(ص)، مأمور ابلاغ دستور الهی است؛ خواه مخالفان ایمان بیاورند یا نه:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا (کهف، ۱۸، آیه ۲۹)؛

و بگو: «حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم».

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (انعام، ۶، آیه ۱۰۷)؛

و اگر خدا می خواست آنان شرک نمی آوردند، و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده ایم، و تو وکیل آنان نیستی».

ایمان به خدا و مبانی اسلام، هیچ گونه جنبه تحمیل نمی تواند داشته باشد؛ بلکه یگانه راه آن، منطق استدلال و نفوذ در فکر و روح افراد باید باشد. مهم این است که حقایق و دستورهایی الهی بیان شود و مردم آن را درک کنند و با اراده و اختیار خویش آن را بپذیرند.

بعد دیگر آزادی، «آزادی فکر و اندیشه» است. قرآن در آیات متعددی انسان را به تعقل، تدبیر و اندیشه در جهان هستی فرا می خواند از او می خواهد که به وسیله نیروی عقل، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت ها، پلیدی ها و گمراهی ها گام بردارد:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت، ۴۱، آیه ۵۲)؛

بزودی نشانه های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دلهايشان بدیشان خواهیم نمود، تا برايشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟».

۲-۴. قرآن کریم، و اعتراف به حقوق اقلیت ها:

هیچ دینی، همانند دین اسلام، ضامن آزادی اقلیت ها و حافظ شرف و حقوق ملی آن ها نیست. اسلام عدالت اجتماعی کامل را در کشور اسلامی نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود، با وجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان و رنگ تأمین می کند و این یکی از مزایای بزرگ عالم انسانیت است که غیر از اسلام، هیچ مذهب و قانونی نمی تواند به این آرمان تحقق بخشد.

اقلیت های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و کتاب تابعیت می توانند در کشور آزادانه زندگی کنند و از حقوق اجتماعی، امنیت داخلی و خارجی مانند افراد مسلمان بهره مند شوند. قرآن مجید با صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و دیگر مذاهب بیگانه، چنین بیان می کند:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه، ۶۰، آیه ۸)؛

خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می دارد».

یعنی اقلیت ها یا مخالفان عقیدتی اسلام، اگر با شما «جنگ مذهبی» اعلام نکرده اند و به شما فشار نیاوردند و شما را از وطنتان خارج نکردند، باید با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنید. بدین ترتیب، اسلام اجازه می دهد اقلیت های مذهبی و مخالفان اسلام، در جامعه اسلامی باشند و از حقوق انسانی بهره مند شوند، اما مشروط بر این که مزاحم اسلام و مسلمانان نباشند و ضد آنها کاری صورت ندهند.

در آیه دیگر می فرماید:

«إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه، ۶۰، آیه ۹)؛

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند».

با توجه به این دو آیه، سیاست کلی اسلام، دربارهٔ اقلیت های مذهبی و مخالفان اسلام، این گونه خواهد بود که تا وقتی اقلیت ها به حقوق اکثریت تجاوز، و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نکنند، در کشور اسلامی به طور کامل آزاد هستند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند، ولی اگر ضد اسلام و مسلمانان، با کشورهای دیگر بند و بست داشته باشند، مسلمانان موظف هستند جلو فعالیت آنها را بگیرند و هرگز آن ها را دوست خود ندانند.

آزادی و احترام اقلیت های مذهبی در اسلام به پایه ای است که اگر کسانی از «اهل ذمه» کاری انجام دهند که در دین آن ها جایز است، ولی در شرع اسلام حرام است، مانند: شراب خواری، کسی در حکومت اسلامی حق ندارد متعرض آنها شود؛ البته مادامی که به آن عمل، تظاهر نکنند، و اگر به آن عمل تظاهر کنند، به سبب نقض «قانون تحت الحمایه» باز خواست خواهند شد، و اگر عملی انجام دهند که در دین آنها هم حرام است، مانند: زنا، لواط و ... از نظر حقوق، هیچ تفاوتی با مسلمانان ندارد و قاضی حق دارد «حد» را بر آنها جاری سازد؛ البته می تواند آنها را به ملت خود تحویل دهد تا طبق قوانین مذهبی خودشان مجازات شوند، (سبحانی، ۱۳۷۰، ۵۲۶ به بعد).

طبق فقه اسلامی اگر دو نفر از اهل ذمه، مراغه خود را پیش قاضی مسلمان ببرند، قاضی مخیر است، یا میان آنان، طبق حکم اسلامی داوری کند، یا این که از آنها روی بگرداند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده، ۵، آیه ۴۲)؛

پس اگر نزد تو آمدند، [یا] میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب. و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی به تو نخواهند رسانید. و اگر داوری می کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد.

۲-۵. قرآن کریم، و تعاون در مسایل بین المللی:

همکاری و تعاون، برای زندگی اجتماعی ضرورت دارد. زندگی اجتماعی و نظام بین المللی بدون همکاری در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. برای حل مشکلات روز افزون جهانی، چاره ای جز مشارکت وجود ندارد.

قرآن کریم، بر تعاون که اصل عقلایی نیز به شمار می رود، تأکید و سفارش کرده، و مسیر آن را در جهت «برّ و تقوا» قرار داده و از تعاون برای ارتکاب گناه و ظلم، نهی فرموده است:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۵، آیه ۲)؛

و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

در مقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق «برّ» است و مبارزه با سلطه، استثمار، نژاد پرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیک تر

شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا شمرده می‌شود و در این راه می‌باید از هر نوع همکاری که سبب فساد، تباهی و ظلم است، خودداری کنند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ش، ۳/۴۶۱-۴۶۲).

هر قدر توجه به اصول مشترک بیش‌تر باشد، تفاهم بین‌المللی بیش‌تر، و در نتیجه، صلح و امنیت جهانی تأمین می‌شود. قرآن کریم، افزون بر توصیه به اخذ اصول مشترک (قل یا اهل‌الکتاب تعالوا...) و سفارش به تعاون در جهت بر و تقوا، به مسلمانان اجازه داده با زنان اهل‌کتاب ازدواج کنند و از غذای آنان (غیر از شراب، گوشت خوک و ...) بخورند:

«الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده، ۵، آیه ۵)؛

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل‌کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است.

بدیهی است که اجازه تناول غذای اهل‌کتاب و ازدواج با زنان آنان، از مهم‌ترین اسباب تعاون و زمینه‌ساز همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد بود. نظر اسلام درباره تعاون، پیش از این که تکلیف دینی باشد، ضرورت بشری به شمار می‌رود. خداوند زمین را آفرید و ثروت‌هایی در آن قرار داد که بهره‌وری از آن، جز از طریق همکاری و تعاون حاصل نمی‌شود.

۲-۶. قرآن کریم، و استقبال از پیشنهاد صلح:

دو قبیله در میان قبایل عرب به نام بنی‌ضمیره و اشجع وجود داشتند که قبیله اول با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع با بنی‌ضمیره نیز هم‌پیمان بودند... پس از مدتی، مسلمانان با خبر شدند که طایفه اشجع به سرکردگی «مسعود بن رجیله» که هفتصد نفر بودند، به نزدیکی مدینه آمده‌اند. پیامبر اکرم (ص) نمایندگان نزد آنها فرستاد تا از هدف مسافرتشان مطلع گردد. آنها اظهار داشتند: آمده ایم «قرارداد ترک مخاصمه» با محمد صلی الله علیه و آله و سلم ببندیم. هنگامی که پیامبر اکرم (ص) چنین دید، دستور داد مقدار زیادی خرما به عنوان هدیه برای آن‌ها بردند؛ سپس با آنها تماس گرفت و آنها اظهار داشتند: ما از یک طرف توانایی مبارزه با دشمنان شما را نداریم، چون عده ما کم است، و از طرف دیگر، قدرت و تمایل به مبارزه با شما را نداریم؛ زیرا محل ما به شما نزدیک است؛ لذا آمده ایم که با شما «پیمان ترک تعرض» ببندیم، (مکارم شیرازی و دیگران، ۴/۱۳۷۴، ۵۴). در این هنگام، آیه زیر نازل شد و دستورهای لازم را در این زمینه به مسلمانان داد:

«فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا، (نساء، ۴، آیه ۹۰)؛

پس اگر از شما کناره گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است».

۲-۷. قرآن کریم، و صلح بین المللی:

اسلام از روز نخستین، اصول صلح را پی ریخته و از این طریق، راه را برای پیمودن صلح بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز هموار ساخته است. در این مورد کافی است بدانیم که صلح و صفا، روح اسلام است و واژه «اسلام» از ماده «سَلِمَ» گرفته شده، و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است؛ بدین سبب، قرآن کریم دستور می دهد که همگی در حوزه «سَلِمَ و صلح» وارد شوند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ » (بقره ۲، آیه ۲۰۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

«سَلِمَ» خیلی عالی تر و بادوام تر از «صلح» است؛ زیرا معنای «سلامت و امنیت» دارد و صورت صلح موقت ظاهری را ندارد. خداوند متعال به پیامبر گرامی(ص) دستور می دهد که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن گرایش یافتند، تو نیز از فرصت بهره ببر و با آنان موافقت کن:

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (انفال، ۸، آیه ۶۱)؛

و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست».

علاقه اسلام به صلح میان افراد انسان به حدی است که به افراد با ایمان نوید می دهد تا شاید بر اثر رفتار مسالمت آمیز مسلمانان، میان آنها و دشمنان، پیوند دوستی پدید آید:

«عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (ممتحنه، ۶۰، آیه ۷)؛

امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است».

افراد غیر مسلمان به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند و شمشیر به روی آن ها کشیدند؛ آنها را از خانه و کاشانه شان به اجبار بیرون کردند، و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل آشکارا نشان دادند. تکلیف مسلمانان این است که هر گونه مراوده با این گروه را قطع کنند، و از هر گونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند که مصداق روشن آن، مشرکان مکه مخصوصاً سران قریش بود. گروهی رسماً دست به این کار زدند، و گروهی دیگر نیز آنها را یاری کردند؛ اما دسته دیگری بودند که در عین کفر و شرک، کاری به مسلمانان نداشتند. نه عداوت می ورزیدند، نه با آنها پیکار می کردند، و نه اقدام به بیرون راندن شان از شهر و دیارشان نمودند. حتی گروهی از آنها «پیمان ترک مخاصمه» با مسلمانان بسته بودند. نیکی کردن با این دسته و اظهار محبت با آنها بی مانع بود، و اگر معاهده ای با آنها بسته بودند، باید به آن وفا کنند و در اجرای عدالت

بکوشند. مصداق این گروه، طایفه «خزاعه» بودند که با مسلمین «پیمان ترک مخاصمه» داشتند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۲۲ / ۳۱-۳۲).

خلاصه، برنامه طرفداری از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، در سیاست خارجی از خردمندانترین و مترقی‌ترین برنامه‌ها است، و اسلام همین برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را به سبب استواری صلح و در موقع اضطراری برای دفاع خواسته است. اسلام، چنان برای صلح و زندگی مسالمت‌آمیز اهمیت قائل است که حتی در اجتماعات کوچک نیز به صلح و سازش دستور می‌دهد و در اختلاف خانوادگی نیز شعار اسلام این است: «و الصلح خیر».

۲-۸. قرآن کریم، و دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز و توجه به اصول مشترک:

اسلام، آیینی است که از همان زمان پیدایی با شعار همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه کرد. این آیین، خطاب به «اهل کتاب» می‌گوید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۳، آیه ۶۴)؛

بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدایه‌ی خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]».

این آیه، از آیه‌های مهم در دعوت اهل کتاب به سوی وحدت به شمار می‌رود. استدلالی که در این آیه شریفه به کار رفته است، با استدلال در آیه‌های پیشین تفاوت دارد. در آیه‌های پیشین، از همین سوره آل عمران، به طور مستقیم دعوت به اسلام بود، ولی در این آیه، به نقطه‌های مشترک بین «اسلام» و «اهل کتاب» توجه شده است. قرآن به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس‌تان با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و بکوشید دست کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه، برای پیشبرد اهداف مقدس‌تان قرار دهید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۲ / ۴۵۰).

از این رو، پیامبر اکرم (ص) در بیش‌تر نامه‌هایی که برای پادشاهان جهان که دارای اعتقاد الهی بوده‌اند، فرستاد، متن آیه فوق که همان اعلامیه جهانی اسلام باشد مطرح فرموده است. نامه‌هایی که پیامبر اسلام (ص) به امیران، سلاطین، رؤسای قبایل و شخصیت‌های برجسته معنوی و سیاسی برای دعوت به اسلام نوشته است، از شیوه مسالمت‌آمیز دعوت او حکایت می‌کند. حدود ۱۸۵ نامه، از متون نامه‌های پیامبر (ص) که برای تبلیغ و دعوت به اسلام یا جهت «میثاق و پیمان» است، در دست داریم، (برای ملاحظه نامه‌های پیامبر (ص) نگاه کنید به: علی الاحمدی المیانجی، مکاتیب الرسول (ص)، و نیز: محمد حمیدالله حیدرآبادی، مجموعه الوثائق السیاسیه).

۲-۹. قرآن کریم، و گفت و گوی مسالمت‌آمیز:

قرآن کریم به مسلمانان دستور اکید می‌دهد که با «جدال احسن» و «گفت و گوی مسالمت‌آمیز»، با اهل کتاب سخن بگویید و روابط خود را براساس «اصول مشترک» قرار دهند:

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (عنکبوت، ۲۹، آیه ۴۶)؛

و با اهل کتاب، جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنانکه ستم کرده اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم».

در آیه های گذشته، بیش تر سخن از نحوه برخورد با «بت پرستان» لجوج و جاهل بود که به متقاضی حال با آنها سخن می گفت، ولی در آیه فوق، سخن از مجادله و گفت و گو با «اهل کتاب» است که باید به صورت ملایم تر باشد؛ چه این که آنها دست کم بخشی از دستوره های پیامبران و کتاب های آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیش تری برای شنیدن آیات الهی را دارا بودند.

قرآن مجید، به مسلمانان دستور می دهد که از دشنام دادن به کافران و بت پرستان بپرهیزند؛ چه این که آن ها هم به همین روش متوسل می شوند:

«وَلَاتَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام، ۶، آیه ۱۰۸)؛

و آنچه را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشتانان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت».

از آن جا که بیان دستوره های اسلام همراه با منطق، استدلال و شیوه های مسالمت آمیز است، به برخی از مؤمنان که از روی ناراحتی شدید برای «مسأله بت پرستی»، به بت های مشرکان دشنام می دادند، سفارش اکید می کند که از ناسزا گفتن بپرهیزند و رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان را، حتی در برابر خرافی ترین و بدترین ادیان، لازم می شمرد؛ زیرا هر گروه و ملتی، به عقاید و اعمال خویش تعصب دارند و ناسزا گفتن و برخورد خشن باعث می شود که آنها در عقاید خود سخت تر شوند.

۳. نتیجه گیری

بی تردید قرآن کریم، آموزه ها و تعالیم روح بخش خویش را جهانی دانسته و پیامبر (ص)، فرستاده خداوند متعال برای همه انسان هاست. پیروان ادیان آسمانی یکی از مهم ترین مخاطبان هستند. در تعامل با پیروان ادیانی آسمانی از رویکرد، مسالمت آمیز و احترام به حقوق اقلیت ها سود می جوید. گفتمان قرآن کریم، گفتمان بین ادیانی است که بر اساس آن، باید با پیروان ادیان آسمانی بر اساس صلح و همزیستی مسالمت آمیز تعامل کرد. این گفتمان، برگرفته از آیات کلام الله مجید است که به حقوق اقلیت ها احترام می گذارد و از آنان می خواهد که در مسائل بین المللی با مسلمانان همکاری و مشارکت داشته باشند. از پیشنهاد صلح و همزیستی مسالمت آمیز استقبال می کند و بهترین

روش را گفتگوی بین ادیانی می داند. نتیجه آن که اصل و قاعده اولی، در تعامل با غیر مسلمانان بویژه پیروان ادیان آسمانی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز است، نه جنگ؛ آن چنان که داعشیان و پیروان تکفیری ها ترویج می کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۶۳ ش.)، دانشنامه سیاسی، تهران، سهروردی و مروارید، چ اول.
۳. ابوشبانه، یاسر (۱۹۹۸ م.)، النظام الدولي الجديد بين الواقع الحالي و التصور الاسلامي، مصر، دارالسلام، چ اول.
۴. الاحمدی، علی (۱۳۶۳)، مکاتیب الرسول (صلی الله علیه و آله)، تهران، یاسین، چ اول.
۵. ثقفی، سید محمد (۱۳۷۶ ش.)، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، قم، هجرت، چ دوم.
۶. حمید الله حیدرآبادی، محمد (۱۴۰۷ ق، ۱۹۸۷ م.)، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی والخلافة الراشدة، بیروت، دارالنفائس، چ اول.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ ش.)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، دوره چهارده جلدی، چ اول.
۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲ ش.)، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش داود الهامی، قم، توحید، چ اول.
۹. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۴۴ ش.)، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول.
۱۰. _____ (۱۳۷۳ ش.)، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، دوره سه جلد، چ دوم.
۱۱. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳ ش.)، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول.
۱۲. لوبون، گوستاو (۱۳۸۷ ش.)، تمدن اسلام و عرب، مترجم محمد تقی فخر دائی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
۱۳. مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۴ ش.)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. منتسکیو، شارل لوئی (۱۳۹۳ ش.)، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، چ سیزدهم.